

# بحران جهانی آموزش و پرورش

## مقدمه

پیدایش رشته‌ای مستقل با عنوان جامعه‌شناسی آموزش و پرورش در دنیا سابقه زیادی ندارد. اگرچه می‌توان گفت با پیوستن امیل دورکیم در سال ۱۸۸۷ میلادی به دانشگاه بوردو تدریس جامعه‌شناسی آموزش و پرورش در آموزش عالی آغاز گشت. وی، در این دانشگاه با عضویت در گروه فلسفه، تدریس درس‌های جامعه‌شناسی و آموزش و پرورش را در این گروه برعهده گرفت. برخی از مفسران براین نظرند که درس آموزش و پرورش یک بار دانشگاهی بود که دورکیم ناچار گشته بود آن را به دوش کشد. این قضیه صحت ندارد؛ زیرا او در سراسر عمرش از تدریس در این رشته دست نکشیده بود، حتی زمانی که خود می‌توانست آزادانه درس‌هایش را تعیین کند. آموزش و پرورش برای دورکیم یک رشته کاربردی ممتاز بود که جامعه‌شناسی می‌توانست از طریق آن به هدف تجدید ساختمان جامعه که او سخت دلبسته‌اش بود، مؤثرترین خدمت را داشته باشد (ش ۱، ص ۲۰۸).

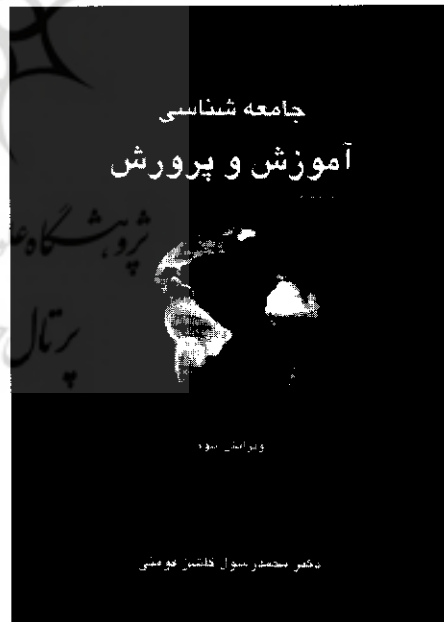
در آمریکا نخستین کوشش در حوزه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش به دهه اول قرن بیستم میلادی برمی‌گردد. برای اولین بار در آمریکا، تدریس جامعه‌شناسی پرورشی به عنوان یک درس دانشگاهی به وسیله هنری سوزالو (Henry Suzallo) آغاز گردید. در سال ۱۹۲۸ میلادی (۱۳۰۷ شمسی)، اولین مجله جامعه‌شناسی پرورشی توسط ای. جی پاین (E. G. Payne) که او را پدر و بنیانگذار جامعه‌شناسی پرورشی نامیده‌اند، در آمریکا منتشر شد (ش ۲، ص ۱۲۶).

در ایران، پیدایش جامعه‌شناسی آموزش و پرورش با پیدایش جامعه‌شناسی یعنی سال ۱۳۲۵ همزمان است. در آن سال در دانشسرای عالی، به منظور آشنایی دانشجویان با اندیشه‌های جامعه‌شناختی، یک واحد درسی با عنوان جامعه‌شناسی آموزش و پرورش ارائه شد (ش ۳، ص ۲۰). البته، در دانشگاه تهران قبل از سال ۱۳۱۹ درسی به نام علم‌الاجتماع به لحاظ تربیت (علم‌الاجتماع پرورشی) در دو واحد درسی در هفته توسط دکتر اسدالله بیژن، به صورت ترجمه‌هایی فشرده از پاره‌ای متون خارجی در دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات در رشته‌های فلسفه (آزاد و دبیری) و گروه‌های ادبی (دبیری) تدریس می‌شد. گویا پیش از آن هم یک جامعه‌شناس آلمانی به نام و. هاس (W. Hass) از سال ۱۳۱۳ تدریس این درس را برعهده داشته است (ش ۴، ص ۳۶).

با جدا شدن دانشسرای عالی از دانشگاه تهران، تدریس این درس آغاز شد و پاره‌ای پژوهش‌های اجتماعی - تربیتی نیز در بخش جامعه‌شناسی آن رواج یافت. در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ دکتر غلامحسین صدیقی همچنان عهده‌دار تدریس این بود، با این تفاوت که تعداد واحدهای آن قبل از سال ۱۳۵۱ شمسی به یک واحد تقلیل یافت. اما از زمان تأسیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در شهریور ماه ۱۳۵۱ تا زمان انقلاب اسلامی،

## ○ بیژن زارع

عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه تربیت معلم



○ جامعه‌شناسی آموزش و پرورش

○ محمدرسول گلشن فومنی

○ نشر دوران

○ ۱۳۷۹ (چاپ سوم)

درس جامعه‌شناسی آموزش و پرورش عمدتاً توسط دکتر ایزدی به صورت ۲ واحد درسی تدریس می‌شد (ش ۵، ص ۲۳۶). از افراد دیگری که در این دوران در کتابخانه دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران از آنان جزوات درسی مربوط به درس جامعه‌شناسی آموزش و پرورش باقی مانده است می‌توان نادر افشار نادری، فرهنگ قائم مقامی و علی محمد کاردان را نام برد (ش ۶، ص ۲۶). از دیگر افرادی که با چاپ کتاب و مقاله یا تدریس و تحقیق، به اعتلای این رشته کمک نموده‌اند می‌توان از منوچهر افضل، احسان نراقی، علی شریعتمداری و غلامعباس توسلی نام برد (ش ۷، ص ۲).

در زمینه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، چندین کتاب به صورت ترجمه و یا تالیف انتشار یافته است شاید بتوان گفت نخستین اثر ترجمه شده در این باب، ترجمه کتاب امیل دورکیم جامعه‌شناس فرانسوی با عنوان تعلیم و تربیت و جامعه‌شناسی است که در قالب پایان‌نامه دانشگاهی توسط احمد زهیری دانشجوی فوق‌لیسانس دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به راهنمایی دکتر علی محمد کاردان در سال ۱۳۳۹ در یکصد و بیست صفحه ارائه شده است. اگرچه، متن ترجمه شده از سلاست و روانی لازم برخوردار نیست اما با توجه به ارائه مستقیم نظریات دورکیم در زمینه ابعاد اجتماعی تعلیم و تربیت درخور توجه و مطالعه است. کتاب‌های تعلیم و تربیت در جهان امروز از نظر جامعه‌شناسی، اقتصاد و برنامه‌ریزی از شاپور راسخ (۱۳۵۰)، جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت از دابلیو. ب ماسکریو ترجمه ناهید فخرایی (۱۳۵۷)، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش از مصطفی عسکریان (۱۳۶۸)، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش از محمدحسین فرجاد (۱۳۷۰)، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش از امان‌الله قرایی مقدم (۱۳۷۲)، درآمدی

بر جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت از ایور، موریش ترجمه غلامعلی سرمد (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش از علی علاقه‌بند (۱۳۷۴) و... جامعه‌شناسی آموزش و پرورش از محمدرسول گلشن فومنی (۱۳۷۳) نیز از جمله کتاب‌هایی هستند که به بازار کتاب عرضه شده است. در این مقاله، به معرفی و نقد ویرایش سوم کتاب اخیر (۱۳۷۹) می‌پردازیم. همان‌گونه که می‌دانیم با توسعه و پیشرفت علمی و صنعتی، به تدریج فرآیند تفکیک یا تمایز اجتماعی در جوامع پیشرفته به وقوع پیوست. در این فرآیند، ساختار پیچیده‌ای که کارکردهای چندگانه‌ای را برعهده داشت به ساختارهای تخصصی متعددی تقسیم شد که هرکدام تنها انجام یک کارکرد و وظیفه خاص را برعهده گرفتند (ش ۸، ص ۴۰). بدین ترتیب، کارکرد آموزش و پرورش از نهاد خانواده جدا و برعهده نهاد اجتماعی

ویژه‌ای به نام آموزش و پرورش قرار گرفت. در نهاد آموزش و پرورش نیز به تدریج بخشی عهده‌دار و متکفل آموزش عمومی و بخشی بنام آموزش عالی متکفل آموزش تخصصی شد.

دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی هرکدام با تأسیس رشته‌های تخصصی و عناوین درسی موردنیاز در هر رشته سعی کرده‌اند تربیت نیروی انسانی متخصص موردنیاز برای جامعه را تحقق ببخشند. البته، در این رابطه، هم انتقال مهارت‌ها و دانش موردنیاز و هم انتقال ارزش‌ها، هنجارها، اعتقادات و به طور کلی فرهنگ جامعه مورد توجه قرار داشته است. در این راستا، علاوه بر امکانات سخت‌افزاری، بودجه و اعتبارات کافی، نیروی انسانی متخصص، توانمند و کافی، کتاب درسی و منابع آموزشی برای تحقق اهداف یاد شده از جایگاه و اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. کتاب درسی خوب باید بتواند اطلاعات علمی موردنیاز و آخرین یافته‌ها را مطابق با استانداردهای متداول مربوط به برنامه‌ریزی درسی، تهیه، تدوین و به دانشجویان ارائه نماید. کتاب درسی مناسب باید بتواند هم به افزایش شناخت و آگاهی، هم تغییر نگرش دانشجویان از نگرش عاطفی و احساسی به نگرش علمی و عقلانی و هم تغییر رفتار مناسب وی کمک نماید. با توجه به این هدف است که کتاب یاد شده مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد. چاپ سوم این کتاب در سال ۱۳۷۹ با تغییراتی در سرفصل‌ها انتشار یافته است و حاوی دو مقدمه، پانزده فصل و منابع و واژه‌نامه است و در انتهای هر فصل، پرسش‌هایی ضمیمه شده است.

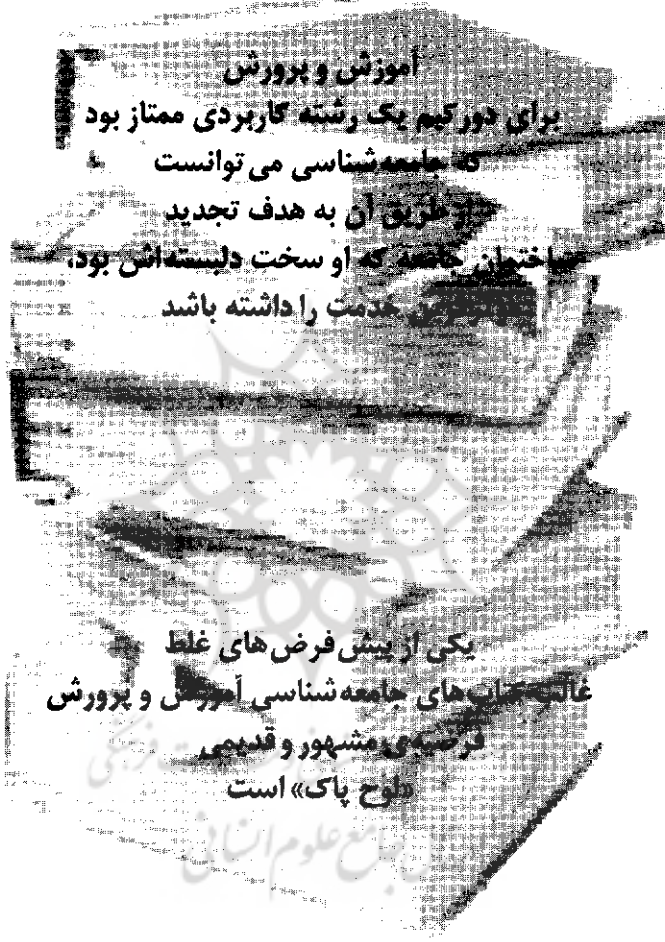
#### مروری بر کتاب

فصل اول کتاب با عنوان «کلیات» به بحث در باب موضوعاتی نظیر اهمیت جامعه‌شناسی آموزش و

پرورش، علوم اجتماعی و آموزش و پرورش، قلمرو جامعه‌شناسی آموزش و پرورش و سرانجام پژوهش در جامعه‌شناسی آموزش و پرورش می‌پردازد. فصل دوم تحت عنوان نهاد و نظام آموزش و پرورش حاوی مطالبی بدین شرح است: نهاد و سازمان، شکل‌گیری نهاد آموزش و پرورش، روند شکل‌گیری نظام آموزش و پرورش و طرح‌های اولیه آموزشی.

فصل سوم با عنوان کلی «آموزش، علم، فرهنگ، تکنولوژی» دربرگیرنده مباحثی نظیر علم و آموزش، فرهنگ و آموزش و پرورش، تکنولوژی و آموزش، پیشرفت علمی و تکنولوژیک و تأثیر آن بر آموزش، تأثیر تکنولوژی بر آموزش فنی و حرفه‌ای و تعریف آموزش و پرورش است.

فصل چهارم تحت عنوان کلی «کارکردهای آموزش و پرورش» حاوی عناوین جزئی‌تر، اجتماعی شدن و شخصیت، انتقال فرهنگ، همبستگی و انسجام اجتماعی، پرورش نیروی انسانی متخصص، ایجاد فرصت اشتغال،



نوآوری و تغییر، تحرک اجتماعی و ایجاد پایگاه، آموزش و توسعه اقتصادی است.

فصل پنجم کتاب با عنوان «نظام آموزش و پرورش ایران» موضوعاتی نظیر آموزش و پرورش دوره باستان، آموزش عالی در دوره ساسانیان، نظام آموزش و پرورش ایران و نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران را مورد توجه قرار داده است.

فصل ششم با عنوان اصلی «نقش آموزش در نظام اجتماعی» موضوعات فرعی نظیر نظام اجتماعی، تداوم و دگرگونی نظام‌های اجتماعی، فرهنگ آموزشی و فرهنگ‌پذیری، ساختارها و کارکردها: پدیده‌ی بوروکراسی، مشکلات بوروکراسی کنونی، مدرسه و جامعه، تأثیر جامعه بر آموزش و مدرسه و دولت را دربرگرفته است.

در فصل هفتم با عنوان «بحران جهانی آموزش و پرورش» عناوینی نظیر بحران جهانی، رقابت جهانی در آموزش، بحران آموزش بعد از جنگ جهانی دوم، شاگردان به مثابه «عناصر وارده»، معلمان: مسایل کیفی و مالی و قدرت خرید آموزش و پرورش بررسی شده است.

در فصل هشتم تحت عنوان «منابع جدید و شیوه‌های آموزشی عناوین جزئی‌تری همچون افول آموزش یا تحول آن، نیازها و تقاضا، خواسته‌ها و برنامه‌ها و بویایی درونی نظام‌های آموزشی مطرح شده است.

فصل نهم با عنوان «یونسکو و آموزش» دربرگیرنده عناوین فرعی، آموزش، علوم و تکنولوژی، ارتباطات، علوم اجتماعی و انسانی و مردمی کردن آموزش است.

فصل دهم کتاب تحت عنوان «افت تحصیلی» شامل عناوین جزئی‌تری نظیر افت تحصیلی مسئله حاد، تعریف افت تحصیلی، انواع افت تحصیلی و دلایل آن، عواقب و آثار افت تحصیلی، نرخ قبولی و مردودی تحصیلی کشور در سال تحصیلی ۶۴-۱۳۶۳، و علل افت تحصیلی است.

فصل یازدهم با عنوان کلی «رشد جمعیت و آموزش» حاوی عناوینی همچون رشد جمعیت در نواحی مختلف، مشکلات نظام‌های آموزشی و رشد جمعیت، جمعیت ثابت یا انفجار مداوم و انفجار جمعیت در مدارس است.

عنوان کلی فصل دوازدهم «هزینه‌های آموزش و پرورش» است. عناوین فرعی این فصل عبارت‌اند از: تقاضای خدمات آموزشی، تغییر در کیفیت خدمات آموزشی، هزینه سرانه دانش‌آموز در دوره‌های تحصیلی، ارائه پیشنهادات و نتیجه‌گیری.

فصل سیزدهم با عنوان «مشارکت اجتماعی و آموزش» دربرگیرنده عناوین فرعی: اصطلاح مشارکت از دیدگاه‌های مختلف، عمل جامعه روی کودک، عمل جامعه روی جوان، استقلال فرد و آزادی او و مشارکت جوانان است.

فصل چهاردهم تحت عنوان «آموزش و پرورش دائمی» شامل عناوین دیگری نظیر یونسکو و آموزش دائمی، مراتب سه‌گانه جدید اهداف آموزش و پرورش، اهداف نوین و برنامه‌های جدید آموزش، چند مورد مهم از تغییر در برنامه‌ریزی‌های جدید، پذیرش انتقاد، تجارب علمی و تکنولوژی و محتویات آموزش و فعالیت گروهی است.

در فصل پانزدهم با عنوان «آموزش بزرگسالان» عناوین جزئی‌تری همچون درس‌هایی از پیکار با بی‌سوادی، سوابق آموزش بزرگسالان در ایران، هدف‌های اصلی در آموزش بزرگسالان، هدف‌ها و استراتژی، اهداف سوادآموزی و آموزش حرفه‌ای بزرگسالان، آموزش‌های ضمن خدمت معلمان، مبانی و اصول آموزش ضمن خدمت، بیانیه هامبورگ درخصوص آموزش بزرگسالان و بهبود شرایط و کیفیت آموزش بزرگسالان مطرح شده است.



## فصل ششم با عنوان اصلی

### «نقش آموزش در نظام اجتماعی»

موضوعات فرعی نظیر نظام اجتماعی،

تداوم و دگرگونی نظام‌های اجتماعی،

فرهنگ آموزشی و فرهنگ‌پذیری، ساختارها و کارکردها،

پدیده‌ی بوروکراسی، مشکلات بوروکراسی کنونی،

مدرسه و جامعه، تأثیر جامعه بر آموزش

و مدرسه و دولت را

دربرگرفته است

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی



۱. مهم‌ترین مزیت کتاب تجدیدنظر مؤلف محترم کتاب در هر چاپ تازه است. این امر نشان می‌دهد که ایشان معتقد به این نکته است که باید متناسب با تحولات جامعه، در فصول کتاب و محتوای آن تجدیدنظر نمود. در این رابطه اصلاحات زیر در چاپ سوم کتاب صورت گرفته است:

۱-۱. براساس یک تقسیم‌بندی منطقی با توجه به سیلابس درس جامعه‌شناسی آموزش و پرورش فصول کتاب از دوازده فصل به پانزده فصل افزایش یافت.

۱-۲. با توجه به اهمیت مسئله بحران جهانی آموزش و پرورش، سعی

شده با استفاده از منابع معتبر به چگونگی بحران و عوامل مؤثر در آن یک فصل کامل اختصاص داده شود.

۱-۳. مطالب جدیدی با

استفاده از منابع معتبر در برخی فصول افزوده شده است.

۱-۴. بعضی از مطالب

نامفهوم و عبارات‌های مبهم حذف شده و اصطلاحات و مفاهیم صحیح‌تر و رایج‌تر با بیانی ساده و شیوا به کار گرفته شده است.

۱-۵. اطلاعات آماری

مربوط به تعداد دانش‌آموزان کشور، تعداد مدارس و کلاس‌های درس و فارغ‌التحصیلان رشته‌های مختلف دبیرستانی و غیره به دلیل تغییرات مداوم، زاید تشخیص داده شده و حذف شده است.

۲. در چاپ اول کتاب نیز

موارد ذیل مدنظر مؤلف محترم در تدوین مطالب و فصل‌بندی بوده است:

۲-۱. ضمن توجه به طرح

مباحث تئوریک از دیدگاه‌های

مختلف فرم، محتوا، نظام و کارکردها، وضع تاریخی و چگونگی پیدایش نهاد و نظام آموزش و پرورش سعی شده است با استفاده از تجارب کشورهای پیشرفته و در حال پیشرفت، سطوح مختلف آموزشی از نظر تأثیر بر دگرگونی‌های اجتماعی، تحولات فنی و اقتصادی، شغلی، پایگاه و تحرک اجتماعی نیز مورد بحث قرار گیرد.

۲-۲. در این کتاب نه تنها به انسان آرمانی بلکه به انسان از دیدگاه

بیولوژی، فیزیولوژی و مهم‌تر از آن از دیدگاه کنش‌های متقابل اجتماعی در جامعه و در برخورد با واقعیت‌ها نیز توجه شده است.

۲-۳. نکته دیگر، توجه به اهدافی است که موجب دگرگونی در رفتار

جوانان و تحول فرهنگی متناسب با زمان می‌شود که لازمه زندگی امروز است. هنوز نوجوانان و جوانان جامعه به اهمیت محیط زیست، فضای سبز، درختکاری اطراف خیابان‌ها، تمیزی و بهداشت معابر عمومی، آن طور که

باید پی برده‌اند. هنوز چگونه پوشیدن و چگونه راه رفتن، احترام به حقوق دیگران و بزرگتران، نظم و انضباط در استفاده از وسایل عمومی و خصوصی را به درستی نمی‌دانند. این موارد در تدوین کتاب مدنظر قرار داشته است. ۲-۴. درواقع، با توجه به هدف اصلی تدوین کتاب «تدوین یک کتاب درسی دانشگاهی»، سعی شده، هم دگرگونی‌های اجتماعی در دنیای به سرعت در حال تغییر کنونی، هم ایجاد آمادگی برای استقبال از مسایلی که در آینده امکان وقوع دارند، نیز مدنظر قرار داشته باشد.

#### کاستی‌ها

۱- یکی از پیش‌فرض‌های غلط غالب کتاب‌های جامعه‌شناسی آموزش

و پرورش فرضیه‌ی مشهور و

قدیمی «لوح پاک» است (ش

۹). به موجب این فرضیه که

میان فیلسوفان و دانشمندان

علوم اجتماعی قرن‌های

هیجدهم، نوزدهم و حتی اوایل

قرن بیستم، سخت رایج بود، مغز

و ذهن کودک در آغاز تولد

همچون صفحه‌ی کاغذی سفید

و کاملاً عاری از محتوای

اندیشه و عمل آدمی به تمامی

از تجربه‌های اجتماعی و

فرهنگی معینی سرچشمه

می‌گیرند که پس از تولد به

دست می‌آورند. علت رواج

پردامنه‌ی این فرضیه، آینده

نویدبخشی بود که می‌شد از آن

استنتاج کرد (ش ۱۰، ص ۵۴).

با این حال، امروزه پس از یک

قرن ناکامی در تلاش‌های

اصلاح‌گرانه، از یک سو، و برخی

نتایج حاصل از علوم جدیدی

چون ژنتیک و نخستی‌شناسی،

از سوی دیگر، روشن شده است

که مردم عمیقاً از میراث

ژنتیک و همچنین از مختصات

فرهنگی‌شان تأثیر می‌پذیرند

(ش ۱۱ و ۱۲). بدین ترتیب

می‌توان گفت در این کتاب نیز این پیش‌فرض نادرست در تدوین مطالب

مدنظر نویسنده محترم بوده است.

۲- مهم‌ترین کاستی کتاب، عدم طرح برخی از مباحث اساسی است.

به عنوان مثال، بحث شخصیت و چگونگی تکوین آن از دیدگاه

جامعه‌شناختی، به خصوص از این جهت که یکی از اهداف آموزش و

پرورش در سطح خرد تربیت انسان مطابق نیازها و شرایط حال و آینده هم

از بعد فردی و هم از بعد اجتماعی است، به کلی مورد غفلت قرار گرفته

است.

همان‌گونه که می‌دانیم برای ما توسعه اجتماعی بدون افرادی با نوعی

شخصیت رشد یافته امکان‌ناپذیر می‌نماید و در همان حال بدون توسعه و

تکامل ساختاری رشد شخصیت برای اکثریت و امکان مشارکت خلاقانه،

با توجه به اهمیت  
مسئله بحران جهانی آموزش و پرورش،  
سعی شده با استفاده از منابع معتبر  
به چگونگی بحران و عوامل مؤثر  
در آن یک فصل کامل  
اختصاص داده شود

#### در این کتاب

نه تنها به انسان آرمانی

بلکه به انسان از دیدگاه بیولوژی،

فیزیولوژی و مهم‌تر از آن

از دیدگاه کنش‌های متقابل اجتماعی

در جامعه و در برخورد با واقعیت‌ها

نیز توجه شده است

آگاهانه و داوطلبانه اکثریت غیرقابل تصور است. به عبارت ساده، تکامل ساختاری و رشد شخصیت اکثریت در بهگشت اجتماعی در نظمی پویا لازم و ملزوم یکدیگرند. (ش ۱۳، ص ۲۲۷).

۳ - یکی از مباحث حائز اهمیت که در این کتاب مورد غفلت قرار گرفته، ارتباط آموزش و پرورش با انواع نابرابری اقتصادی، اجتماعی، قومی و منطقه‌ای است.

۴ - یکی از کاستی‌های این اثر فقدان بخشی درخصوص نظریه‌های جامعه‌شناختی موجود در باب آموزش و پرورش است. طرح این نوع از مباحث باعث می‌شود تا تلقی جامعه‌شناسان از اهمیت و نقش آموزش و پرورش در جامعه مطرح و همین امر بر غنای تحلیلی مباحث کتاب بیفزاید.

۵. کاستی دیگر کتاب، عدم استفاده از منابع جدید و روزآمد است. غالب منابع مورد استفاده به زبان فرانسه‌اند. شاید به دلیل عدم آشنایی مؤلف محترم به زبان انگلیسی، منابع متعدد و پرمحتوای انگلیسی در حوزه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش در تألیف کتاب مورد استفاده قرار نگرفته‌اند. ۶. کاستی عمده دیگر، عدم توجه به مباحث و مسایل جامعه‌شناختی آموزش و پرورش ایران است. در حال حاضر، پژوهش‌ها و رساله‌های کارشناسی‌ارشد و دکتری جامعه‌شناسی در حوزه آموزش و پرورش ایران تا بدان حد است که بتوان به برخی از مسایل و چالش‌های عمده آموزش و پرورش ایران نیز توجه نمود.

۷. سبک نگارش مطالب در برخی از موارد مبهم و آشفته و بیش از حد ساده است. برخی از مباحث مطروحه چندان ارتباطی با سرفصل‌ها و عناوین ذکر شده در کتاب ندارد. به عنوان مثال می‌توان به بحث ساختارها و کارکردها ص ۹۸ و ۹۹، شکل‌گیری نهاد آموزش و پرورش ص ۳۷-۳۴، فرهنگ و آموزش ص ۵۵-۵۴ اشاره کرد. عدم ارتباط بحث ارائه شده در صفحه‌های ۱۸۳-۱۸۲ با عنوان اصلی فصل و ابهام و سردرگمی مطالب مربوط به ص ۱۸۷-۱۸۰ نیز از همین قبیل است. همچنین در بحث مشارکت اجتماعی و آموزش به جز بحث ابتدای فصل سایر بخش‌ها هیچگونه ارتباطی با عنوان ذکر شده ندارد. ضمن این که، برخی از مطالب ارائه شده همانند بحث‌های مطروحه در فصل نهم و چهاردهم تکراری است.

۸. با توجه به عنوان برخی از فصل‌ها مانند فصل دوازدهم، ارائه آمارهایی درخصوص آموزش و پرورش ایران بسیار ضروری است. در حالی که یا اساساً آماری وجود ندارد و یا آن که آمارهای ارائه شده بسیار کهنه است. همراه شدن مباحث فصل مذکور با شواهد آماری برگرفته از آموزش و پرورش ایران می‌توانست این فصل را به یک بحث تحلیلی جذاب تبدیل نماید.

همچنین آمارهای ارائه شده در فصل یازدهم (رشد جمعیت و آموزش) و فصل دهم (افت تحصیلی) بسیار کهنه است. در حالی که، مؤلف محترم کتاب می‌تواند با مراجعه به آمارهای موجود در بانک اطلاعاتی وزارت آموزش و پرورش و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی این کاستی را جبران نماید.

۹. نحوه ارجاعات و شیوه نوشتن فهرست منابع مورد استفاده در تدوین کتاب بسیار ناقص است. در تدوین کتاب به‌ویژه یک کتاب درسی دانشگاهی که می‌تواند جنبه آموزشی داشته باشد، ارجاعات و شیوه نگارش منابع در پایان کتاب بسیار مهم است. دقت و حساسیت و استفاده از استانداردهای موجود در این باب می‌تواند به افزایش مهارت و دقت دانشجویان منجر شود.

در پایان، ضمن تقدیر از زحمات مؤلف محترم، انتظار می‌رود با توجه به

## یکی از مباحث حائز اهمیت که در این کتاب مورد غفلت قرار گرفته، ارتباط آموزش و پرورش با انواع نابرابری اقتصادی، اجتماعی، قومی و منطقه‌ای است



## یکی از کاستی‌های این اثر فقدان بخشی درخصوص نظریه‌های جامعه‌شناختی موجود در باب آموزش و پرورش است

روحیه نقدپذیری ایشان، اصلاحات لازم را در این کتاب به منظور ارتقای کیفیت آموزشی و پژوهشی آن به عمل آورند.

منابع:

۱. کوزر، لیویس. زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۸.
۲. شریفی، هادی. جامعه‌شناسی پرورشی و جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، مجله علوم تربیتی، دوره اول شماره ۲ و ۳، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران، ۱۳۵۰.
۳. مهدی، علی‌اکبر و لهسایی‌زاده، عبدالعلی، جامعه‌شناسی در ایران، ترجمه نوشین احمدی خراسانی، تهران: نشر توسعه، ۱۳۷۴.
۴. تکمیل همایون، ناصر، جایگاه فرهنگی استاد فرزانه دکتر غلامحسین صدیقی، مجله فرهنگ، کتاب نهم (ویژه‌نامه علوم اجتماعی)، تهران: ۱۳۷۰.
۵. مقنی‌زاده، محمدحسن. مطالعات اجتماعی آموزش و پرورش، مندرج در کتاب وضعیت تحقیقات فرهنگی اجتماعی در ایران، به همت منوچهر محسنی و مسعود کوثری، تهران: نشر رسانش، ۱۳۷۸.
۶. آزاده، منصوره. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران: ۱۳۷۴.
۷. علاقه‌بند، علی. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران: نشر ویرایش، تهران، ۱۳۷۴.
۸. سو، آلوین. ی. تغییر اجتماعی و توسعه، ترجمه محمود حبیبی مظاهری، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸.
۹. Lock, John. An Essay Concerning Human Understanding. ۱۹۵۹.
۱۰. لنسکی، گرهارد و نولان، پاتریک. جامعه‌های انسانی، ترجمه ناصر موقیان، تهران: نشر نی، ۱۳۸۰.
۱۱. Niebuhr, Reinhold. the Nature and Desting of Man, Newyork: scribner, ۱۹۴۳. Vol ۴.
۱۲. Heilbroner, Robert. An Inquiry into the Human Prospect. Newyork: Norton, ۱۹۹۱. chap. ۴.